

به ادامه گذشته

فقیرمحمد ودان

16 جولای 2012

برخی مسایل پیرامون وظایف مبرم کنونی ما

قسمت ششم

در بخش قبلی سوالی را مطرح نمودیم مبنی بر اینکه ؛ با درنظرداشت تاکید روی مفاهیم : ملی ، ترقیخوا و دموکرات در تعریف ماهیت حزب وطن ، مسوده مرامنامه و اساسنامه حزب وطن به کدام ارزشها توجه داشته است ؟ . برای پاسخ مشخص به این سوال - که می باید در توضیح اهداف و عرصه های سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی ، فرهنگی و روابط خارجی مطرح طی مسوده مرامنامه حزب وطن به آن توجه داشت - ، به آن بخشی از بنیادهای اندیشه یی - سیاسی حزب وطن می پردازیم که این حزب را ماهیتاً به نیروی سیاسی ملی ، ترقیخواه ، دموکرات و عدالت پسند مبدل مینمایند .

اندیشه سیاسی مصالحه ملی با اتکا به فلسفه صلح ، افزار اندیشه یی - سیاسی یی است که کاربرد آن کمک مینماید تا واقعیت نظام های اجتماعی - اقتصادی - منجمله واقعیت های نظام اجتماعی موجود کشور - آنطوریکه «هست» اند ، شناخته شوند و مبنی بر چنین شناختی ، عناصر ساختاری و ساختار های موجود در نظام های مذکور ، تمایلات و گرایش های این ساختارها و روند های موافق ، موازی و متضاد ناشی از این گرایشها درک گردند و بعد از تدقیق و تحلیل ، نتیجه گیری هایی از آنان بعمل آیند که بر بنیاد این نتیجه گیریها ، اهداف نزدیک و بلند مدت واقعبینانه سیاسی تعیین گردند و سرانجام این پروسه ، سیاست های عملی بخاطر تامین رشد و انکشاف اجتماعی - اقتصادی سمت و محتوا یافته و انتخاب افزار و شیوه های لازم و معقول تعمیم این سیاست ها ممکن گردند .

اندیشه سیاسی مصالحه ملی ، بنیاد اندیشه یی - سیاسی حزب وطن است . این مبادی اندیشه یی - سیاسی ، حزب وطن را قادر می سازد تا واقعیت اجتماعی - اقتصادی جامعه افغانی را در کلیت آن و بمثابه نظام واحد مطالعه نموده ، به هستی و وجود عناصر و ساختارهای کثیر و متنوع مضمدرین نظام ، به چگونگی شکل و ماهیت تمایلات و گرایشها متباز موافق ، موازی و متضاد سیاسی این ساختار ها ، به توان و گستره نفوذ و اثرگذاری آنان در ظرفیت های موجود اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی جامعه ، توجه نماید ، به عینیت حضور این عناصر و ساختار ها در مواضع نسبی تمایل از «مرکز» به «چپ» و «راست» پی ببرد و مطابق به آن ، چگونگی برخورد و مناسبات خود را (بادرنظرداشت تعریف و موضع خود در وضعیت موجود سیاسی کشور) با آنان ، چنان انسجام ببخشد که بتواند بمثابه یک نیروی سیاسی خرد ورز ، نقش خویش را طی پروسه طبیعی (تدریجی و

انقطاع ناپذیر) حرکت ، تغییر و تکامل ، بدون تمایلات ذهنی ماجراجویانه و بحرانزای راست و چپ افراطی ، ایفا نماید .

حزب وطن بر مبنای اعتقادات اندیشه بی خود به واقعیت کثرت و تنوع گرایشهای نسبی متمایل از «مرکز» به «چپ» و به «راست» در هر یکی از جوامع بشری و از جمله در وضعیت سیاسی کنونی جامعه افغانی معتقد بوده و باور دارد که در مجموع پروسه تاریخی حرکت ، تغییر و تکامل جامعه این گرایشها وجود داشته ، هم اکنون وجود دارد و در آینده نیز وجود میداشته باشد . زیرا مبارزه همین گرایشها با همدیگر ، مایه حرکت تغییر و تکامل جامعه میباشد ، بنابراین تلاش بخاطر حذف کامل فزیک و سرکوب (نه تغییر تدریجی و تحول قانونمند) یکی از این گرایشها بوسیله دیگری ، تلاش بخاطر یکه تازی ذهنی و موقت آن دیگر محسوب میگردد که در نتیجه جز بحران و به بیراهه کشانیدن و در بهترین حالت کندی پروسه مذکور ، ثمری دیگری نخواهد داشت . تجربه تمامی کشورها از جمله تجارب افغانستان ، حقیقت این مسئله را با وضاحت تمام ثابت ساخته است . بنابراین حزب وطن ، وجود و حضور نسبی (چگونگی گستره نفوذ و اثرگذاری اجتماعی آنان نسبت به همدیگر) هر یک از ساختارهای سیاسی موجود کشور را - منجمله وجود و حضور خود را بمثابه یکی از این ساختارها - واقعیتی تغییر پذیر در پروسه تغییر و تکامل تاریخی جامعه افغانی دانسته ، تلاش بعمل می آورد تا هر یکی از نیروهای سیاسی مطرح ، به درگ چنین واقعیتی دست یافته و متکی بر اصل مردم سالاری و متناسب به گستره تاثیر و نفوذ اجتماعی همدیگر ، به عینیت این وجود و حضور اعتراف نمایند . چنین برخوردی از اختلال اصل اعتدال در پروسه طبیعی حرکت ، تغییر و تکامل اجتماعی - اقتصادی و از بروز بحران درین پروسه جلوگیری نموده ، عدالت اجتماعی را باعث گردیده ، بنیادهای مادی و معنوی جهت رشد و انکشاف جامعه را تامین و ترقی اجتماعی - اقتصادی را ممکن می سازد .

مختصات اندیشه بی فوق ، مبتنی بر اندیشه سیاست مصالحه ملی ، حزب وطن را از یک طرف به ساختار سیاسی «واقعیتگرا» ، «کثرت پذیر» و «مردم سالار» مبدل مینماید که به هدف دستیابی جامعه افغانی به ترقی اجتماعی - اقتصادی و تامین عدالت اجتماعی مبارزه می نماید و از طرف دیگر بنابر ماهیت ملی بودن این اندیشه ، حزب وطن در مجموع سیاستگذاریها و عملکرد سیاسی خویش ، بمثابه یک نیروی سیاسی بی با مختصات ملی متبازل میگردد . این مختصات باعث میگردد تا حزب وطن در تمامی ابعاد مبارزه سیاسی خویش به دفاع از پروسه تکوین ، تحکیم و حفظ ارزشهای ملی ؛ چون استقلال سیاسی ، حاکمیت ملی ، تمامیت ارضی و وحدت ملی برخاسته و در روابط و مناسبات کشور با خارج ، حفظ منافع ملی را محک و معیار عملکرد خویش قرار میدهد .

قبل از ورود به توضیح و تفسیر مشخص عرصه های مختلف (سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی ، فرهنگی و سیاست خارجی) مندرج متن مسوده مرانامه و اساسنامه حزب وطن ، لازم است بمثابه نتیجه گیری از مسایل تا اکنون مطرح شده دین سلسله ، به کلی ترین استقامت های اساسی معرف ماهیت حزب وطن - که در مقدمه مسوده مرانامه آن مطرح گردیده است - عطف توجه نمایم ، زیرا دستیابی به همین اهداف ، استقامت های عملکرد سیاسی حزب را در عرصه های فوق سمت داده ، مضمون و محتوی می بخشد و اینکه :

« حزب وطن از تاسیس و همان آغاز فعالیت خویش (سرطان 1369) نیروی ماهیتاً جدید سیاسی است که از متن نهضت آزادیبخش و ترقیخواه افغانستان و بمثابه وارث این نهضت ، قامت برافراشته ، با در نظر داشت درسها و تجارب حاصله از آن ، بدون ذهنیگری ، شتابزدگی و آرمانگرایی ، متکی بر تحلیل های علمی از اوضاع اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی کشور ، اوضاع منطقه و جهان و با احساس مسوولیت در برابر مردم و تاریخ افغانستان ، یک بار دیگر وارد

وضعیت سیاسی کشورگردیده ، باروحیه همکاری و تفاهم صادقانه با سایر نیروهای ملی ، تحول طلب ، ترقیخواه و طرفدار جامعه مدنی ، جهت غلبه بر مشکلات کنونی و در ضدیت با هرگونه گرایشهای عقبگرایانه و محافظه کارانه ، عمل مینماید .

خصلت ملی و دموکراتیک مبتنی بر ارزشهای ترقیخواهانه فرهنگ افغانی ، مشخصه اساسی و سرشت حزب وطن محسوب میگردد . حزب در پندار ، گفتار و کردار خود به این ارزشها که ریشه های عمیق در فرهنگ و ارزشهای عام بشری دارند ، متعهد است . برین بنیاد حزب وطن طرفدار تحولات عمیق و کیفی اجتماعی و اقتصادی است ، اما دستیابی به این تحولات را با توسل به توطئه ، عمل نظامی ، اعمال زور و خشونت ، انحصار قدرت ، سوق جبری جامعه در مسیر کلیشه های ذهنی و پرش از مراحل ضرور رشد و تکامل اجتماعی - اقتصادی ، کاملاً مردود میداند و معتقد است که تحولات اجتماعی - اقتصادی در نتیجه تلاش میلیونها انسان برای دگرگون ساختن وضع نامطلوب موجود و نیل به ترقی ، عدالت اجتماعی و رفاه عامه در یک پروسه ریشه دار تاریخی ، تحقق میپذیرد . بنابراین حزب پشتیبان پروسه تحقق رشد و انکشاف اجتماعی - اقتصادی و شگوفایی هرچه بیشتر فرهنگ ملی ، با خصلت تدریجی و صلح آمیز آن میباشد ، که با اشتراك آگاهانه و داوطلبانه میلیون ها انسان هموطن ما میباید صورت گیرد . حزب نقش خویش را در این پروسه بمثابه نیروی آگاه و متشکل سیاسی ، در ترویج افکار و اندیشه های ترقیخواهانه ، سمت دادن و رهبری حرکت سیاسی هموطنان برای دستیابی به اهداف مذکور ، ایفا مینماید .

حزب وطن با اتکا به مختصات جامعه افغانی ، وظایف اساسی خویش را در مرحله کنونی ، مبارزه بخاطر استقرار صلح واقعی و عادلانه ، اعمار مجدد ، انکشاف اقتصادی و اجتماعی وبمنظور ارتقای سطح رفاه مردم ، تامین پروسه قانونمند خودآگاهی و وحدت ملی ، گسترش و تعمیق دموکراسی قرار داده و در نهایت از پروسه ایجاد ، تحکیم ، گسترش و تعمیق ارزشهای جامعه رفاه در عرصه های زیستی ، اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی حیات جامعه ، دفاع نموده از نقش ساختارهای جامعه مدنی به هدف تامین مشارکت آگاهانه مردم درین پروسه حمایت مینماید . ما جامعه رفاه را متشکل از افراد آزاد و با حقوق مساوی می پنداریم که آنان در یک نظام اجتماعی مردم سالار و حقوق بنیاد از امکانات برای تامین امنیت و رفاه اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی و فرهنگی برخوردار گردیده ، حقوق و مکلفیت های قانونی شان را در پروسه زیست باهمی درک و توأم با تبارز فرهنگ عالی و احساس قوی هموطنی تعمیل نمایند . «

در بخش بعدی این سلسله ، به توضیح اهداف سیاسی حزب و عملکرد آن برای بدست آوردن این اهداف ، خواهیم پرداخت .